

نقد ترجمه ساخت اطلاعی نشان‌دار در نمایشنامه شهرزاد توفیق الحکیم

۱- فاطمه اکبری‌زاده* ۲- فریده حقی‌بین** ۳- فاطمه رضایی***

۱- استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

۲- استاد زبان‌شناسی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

۳- کارشناسی ارشد مترجمی زبان و ادبیات عربی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲)

چکیده

با توجه به دستاوردهای علم زبان‌شناسی نقش‌گرا، درک پیام متن برای مخاطب، صرف دانش زبانی و آشنایی با معانی واژگان و عبارات و نیز دستور صوری جملات امکان‌پذیر نیست؛ بلکه باید دانست صورت‌های مختلف زبانی متناسب با نقش ارتباطی خود در موقعیت‌های متفاوت، ساختارهای متفاوتی به عنوان ساخت اطلاعی می‌گیرند که دلالت ارتباطی معنایی دارند. از جمله ساخت‌های اطلاعی نشان‌دار، ساخت‌های کانونی شده است. نمایشنامه «شهرزاد» اثر توفیق الحکیم به عنوان اثر ادبی مورد توجه در ادبیات عرب دارای ساخت‌های اطلاعی نشان‌داری است که ترجمه دقیق آن برای انتقال معنای مورد نظر مؤلف ضروری است؛ از این رو، پژوهش حاضر می‌کوشد دریابد که آیا ساخت‌های اطلاعی نشان‌دار از زبان مقصد، بنا بر بافت موقعیتی به همان صورت نشان‌دار به زبان فارسی ترجمه شده‌اند. بدین منظور ساخت‌های اطلاعی مذکور از نمایشنامه شهرزاد به زبان عربی در برابر ترجمه فارسی دو مترجم آیتی و شریعت قرار گرفته است و با توجه به ترجمه هدفمند و انتقال معنای مورد نظر نویسنده به خواننده در زبان مقصد با روشی توصیفی-تحلیلی بررسی شدند. نتایج حاکی از آن است که مترجمان این نمایشنامه در جریان ترجمه بیشتر از جملات بی‌نشان بهره برده‌اند. تعداد اندکی از جملات به صورت نشان‌دار برگردان شده است؛ این در حالی است که با وجود تفاوت ساخت‌های نشان‌دار در هر دو زبان، مترجم با کاربست دقیق اسلوب‌های زبانی ساخت کانونی می‌تواند معادلی نسبتاً دقیق برای این ساخت‌ها بیابد.

واژگان کلیدی: ترجمه، ساخت اطلاعی، نشان‌دار، کانونی‌سازی.

* E- mail: f.akbarizadeh@alzahra.ac.ir (نویسنده مسئول)

** E- mail: fhaghbin@alzahra.ac.ir

*** E- mail: fatemehrezaei133p@gmail.com

مقدمه

برای درک درست معنای متن، تنها شناخت قواعد دستوری کافی نیست؛ بلکه شناخت ساخت اطلاعاتی جمله مطابق با آرایش دستوری ساختار آن زبان ضروری است و توجه به معنای کاربردی جملات در بافت زبانی و بافت موقعیتی فرازبانی بسیار دلالت‌گر است. در حقیقت ساخت اطلاعاتی، بخشی از دستور جمله است که گزاره‌های معنایی با ساخت‌های دستوری و واژگانی منطبق می‌شوند تا نمایان‌گر نیت مشارکت‌کنندگان در کلام باشند (مدرسی، ۱۳۸۷: ۳۳). از میان ساخت‌های اطلاعاتی، بخشی به عنوان «ساخت‌های نشان‌دار» مطرحند که در کنار معنای گزاره‌ای متناسب با نیت گوینده و در ارتباط با مخاطب، ساختارهای دلالتی متفاوتی به خود می‌گیرند تا معنای کاربردشناختی متناسب، ادراک شود. به عبارت دیگر، معنای در ساخت‌های اطلاعاتی نشان‌دار، «برخلاف معنای گزاره‌ها، حاصل جمع معنای عناصر یا سازه‌های سازنده متن زبانی نیستند و بیان آن‌ها مستلزم جابه‌جایی سازه‌های زبان و استفاده از ساخت‌های نشان‌داری است که با آرایش واژگانی غالب زبان همخوانی ندارند» (گلفام، ۱۳۸۹: ۸۶) و دلالت‌هایی کاربردشناختی دارند. جابه‌جایی سازه‌های زبان یا به عبارتی نشان‌داری را می‌توان در کانونی‌سازی^۲، مبتداسازی^۳ و... مشاهده کرد. در تعریفی کوتاه «کانون» اطلاعاتی است که از قبل در بافت زبانی و موقعیتی وجود ندارد، اما این اطلاع نامفروض، اطلاعاتی نو^۴ و قسمتی از جمله است که بالاترین پویایی ارتباطی^۵ در انتقال معنای کاربردشناختی را دارد (پارساکیا، ۱۳۸۹: ۹۵) و «مبتدا» اطلاعاتی است که از قبل در بافت موقعیتی وجود داشته و دارای بار اطلاعاتی کهنه است (المتوکل، ۲۰۰۹: ۱۱۵).

با توجه به اهمیت ساخت‌های اطلاعاتی در تعیین دلالت متن و معنای کاربردی جملات، ترجمه آن نیازمند دقت و مهارت است. مترجم به عنوان یک میانجی فرهنگی، از یک سو،

1. Information Structure
2. Focalization
3. Left Dislocation
4. New Information
5. Communicative Dynamic

باید بتواند براساس ساخت واژه‌ای، دستوری و زبانی، معنا را از زبان مبدأ به زبان مقصد انتقال دهد و از سوی دیگر، باید مسائل کلامی؛ یعنی حفظ توالی و ترتیب عناصر گفتمانی و تأثیر آن‌ها بر معنا را مورد نظر قرار دهد تا در یک ترجمه هدفمند، گفتمان در زبان مقصد همان نقشی را در ارتباط با مخاطب خود ایفا کند که گفتمان در زبان مبدأ برای مخاطب آن زبان ایفا می‌کرده است. از همین رو این جستار می‌کوشد ساخت‌های اطلاعی کانونی در زبان فارسی و عربی را در نمایشنامه «شهرزاد» اثر توفیق الحکیم در ترجمه آیتی و شریعت، مطالعه کند تا ضمن تبیین تفاوت ابزارها در ساخت‌های اطلاعی این دو زبان، چگونگی نحوه انتقال معنا در این دو ترجمه را بررسی و روشن کند.

تحول معنایی در ترجمه هدفمند از ساخت نشان‌دار به چه صورت است؟ مترجمان (آیتی و شریعت) در ترجمه ساخت نشان‌دار نمایشنامه توفیق الحکیم به چه شکل عمل کرده‌اند؟ به منظور پاسخ به این پرسش‌ها، این جستار با روش توصیفی-تحلیلی، ابتدا تعریفی از ساخت اطلاعی و انواع آن ارائه می‌دهد، سپس به بررسی ساخت اطلاعی نشان‌دار کانونی در زبان فارسی و زبان عربی می‌پردازد و ترجمه آیتی و شریعت از نمایشنامه شهرزاد را بررسی می‌کند و براساس نظریه هدفمندی ترجمه^۱ به نحوه برگردان این ساخت‌های اطلاعی و انتقال معانی در ترجمه خواهد پرداخت.

۱. پیشینه پژوهش

بررسی ساخت اطلاعی نشان‌دار در ترجمه مورد توجه پژوهشگران بوده است؛ از جمله امینی (۱۳۸۹) در پایان‌نامه دکتری خود تحت عنوان «بررسی تحولات معنایی و ساخت اطلاعی ساخت‌های نشان‌دار در فرآیند ترجمه از انگلیسی به فارسی» دریافته است که ترجمه یک ساخت نشان‌دار به ساختی بی‌نشان موجب از دست رفتن بخشی از معنای جمله می‌شود. ارزش‌نگیان (۱۳۸۸) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «بررسی ساخت اطلاعی در ترجمه قرآن کریم» سعی بر آن داشته است تا به بررسی تأثیر ساخت اطلاعی در ترجمه قرآن

مجید به زبان فارسی پردازد و صحت و دقت ترجمه را بررسی کند؛ وی به ترجمه ساخت‌های نشان‌دار نپرداخته است. شکوهی (۱۳۸۷) در مقاله خود تحت عنوان «نقش ساخت اطلاعی از دید نقش‌گرایی و روانی در ترجمه» برخی از عناصر کلامی از قبیل: عناصر مبتداسازی، کانونی‌سازی و مجهول را از دیدگاه کلامی مورد بررسی قرار داده است و تاثیر آن‌ها را روی ترجمه ارزیابی کرده است. خان‌جان (۱۳۸۳) در مقاله خود تحت عنوان «رویکردی نقش‌گرا به ساختار اطلاعاتی جمله در ترجمه» به دیدگاه هالیدی در رابطه با ترجمه ساختار اطلاعاتی پرداخته و معتقد است اگر مترجم ساخت اطلاع نشان‌داری را به یک ساخت بی‌نشان تبدیل کند با از دست رفتن معنای ویژه و یا نهفته در آن ساختار، معنا را به طور کامل منتقل نکرده است. در حقیقت امکان استفاده از ساخت‌های جایگزین در زبان مقصد هنگامی تحقق می‌یابد که مترجم خوانش و تأویل صحیحی از توزیع اطلاع در متن مبدأ داشته باشد. طبق تحقیقات انجام شده تاکنون بررسی ساخت اطلاعی نشان‌دار کانونی شده در ترجمه عربی-فارسی مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است.

در حوزه نقد ترجمه شهرزاد نیز تنها اکبری‌زاده و شادمان (۱۳۹۷) در مقاله خود تحت عنوان «نقد تطبیقی آیتی و شریعت از نمایشنامه شهرزاد» توفیق‌الحکیم کوشیده‌اند تا این دو ترجمه را از حیث ویژگی‌های سبکی ادبی، عناصر زیباشناختی، عناصر اجرایی‌پذیری مقایسه کنند و بر اساس شاخص‌های تبیین شده معتقدند ترجمه شریعت موفق‌تر عمل کرده است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
با توجه به اهمیت و ضرورت بررسی ترجمه ساخت اطلاعی نشان‌دار در عربی-فارسی و عدم اهتمام پژوهشگران به این بحث، بررسی نمایشنامه شهرزاد از این منظر، قابل توجه و نوین است.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲-۱. ساخت اطلاعی جمله

ساخت اطلاعی جمله، ساختی با چینش اطلاعی خاص نظر گوینده/ نویسنده است که یک صورت زبانی خاص انتخاب می‌شود تا معنا و مفهوم موردنظر در ساختار واژگانی جمله

بازنمایی شود. بنابراین، حوزه ساخت اطلاعی به مقایسه و تحلیل جملاتی می‌پردازد که از لحاظ معنای گزاره‌ای یکسان هستند، اما از جهت صوری متفاوتند. به عبارت دیگر، بیان می‌کند که چرا دستور زبان، گزینه‌های بسیاری برای بیان یک گزاره واحد در اختیار ما قرار می‌دهد (طباطبائی، ۱۳۹۵: ۱۳۴).

در دهه‌های اخیر زبان‌شناسان نقش‌گرا چون پرنس^۱، گیون^۲، هالیدی، والدووی^۳ و لمبرکت با تأکید بر نقش ارتباطی و کاربردی معنا در تولید سازه‌های زبانی به ساخت‌های اطلاعی توجه کردند و به معرفی و نظریه‌پردازی در این حوزه پرداختند. آنان معتقدند ساخت جمله در حقیقت فرض گوینده را از وضعیت دانش و آگاهی و اطلاعات مخاطب نسبت به موقعیت ارتباطی مفروض، انعکاس می‌دهد (آفاگل‌زاده و رضویان، ۱۳۸۶: ۲). لمبرکت ساخت اطلاعی جمله را چنین تعریف می‌کند: «ساخت اطلاعی، بخشی از دستور جمله است که در آن گزاره‌های معنایی به صورت بازنمایی‌های مفهومی وقایع جاری با ساخت‌های دستوری و واژگانی منطبق می‌شوند و مشارکت‌کنندگان در کلام براساس حالات ذهنی خود چنین ساخت‌هایی را به عنوان واحد اطلاعی در بافت کلامی مفروض، تفسیر می‌کنند و به کار می‌گیرند» (Lambrecht, 1996: 5). در حقیقت، وضعیت ذهنی مشارکت‌کنندگان در کلام، تعیین‌کننده معنای ارتباطی است.

۲-۲. ساخت اطلاعی بی‌نشان و نشان‌دار

در زبان فارسی و عربی همانند سایر زبان‌ها، نقش‌های دستوری طبق قواعد خاصی، واژگان را در جایگاه اصلی خود قرار می‌دهند و ساخت اطلاعی بی‌نشان رقم می‌زنند. ساخت اطلاعی بی‌نشان در فارسی [فاعل+مفعول+فعل] SOV است و در زبان عربی [فعل+فاعل+مفعول] VSO است (الشریفی، بی‌تا: ۴). چنانچه بر اثر پدیده معنایی کاربرد شناختی، یکی از عناصر درون جمله از جایگاه خود حرکت کند و در جایگاهی غیر از

1. Prince
2. Givon
3. Vallduvi

جایگاه اصلی خود باشد، ساخت اطلاعی نشان‌دار را پدید می‌آورد که همان پدیده قلب نحوی است (راسخ مهند، ۱۳۸۴: ۱۲۳). اگر اولین سازه جمله با اطلاع کهنه آغاز شود و با اطلاع نو پایان پذیرد ساخت اطلاعی بی‌نشان و عکس آن، ساخت اطلاعی نشان‌دار است (شهیدی به نقل از هالیدی، ۱۳۸۲: ۱۲۵).

برای تبیین اطلاع نو و کهنه باید گفت که در اطلاع نو، گوینده معتقد است که شنونده بر آن اطلاع واقف نیست یا به عبارتی قابل دسترس نیست و اطلاع کهنه، آن چیزی است که به نظر گوینده، شنونده از آن آگاهی یا به آن دسترسی دارد (مجیدی، ۱۳۹۰: ۱۸۷). به نظر هالیدی، اطلاعی قابل دسترس است که یا در متن قبلی ذکر شده باشد یا در بافت موقعیتی موجود باشد یا به هر حال در ذهن شنونده به نوعی حضور داشته باشد که جزء دانش مشترک گوینده و شنونده محسوب شود (آقاگل‌زاده و رضویان، ۱۳۸۶: ۴). اطلاعی که برای شنونده غیرمنتظره و متضاد یا تأکیدی باشد نیز به نظر هالیدی اطلاعی نو حساب می‌شود (قربان‌خانی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۲۰).

۲-۳. کانونی‌سازی^۱

کانون از مفاهیم نقشی است و به اطلاعاتی اشاره می‌کند که از قبل در بافت زبانی و موقعیتی وجود ندارد. کانون قسمتی از جمله است که بالاترین درجه پویایی ارتباطی را داراست و جزء اطلاعات نامفروض برای مخاطب است. کانون، سازه‌ای داری اطلاع نو است که مخاطب از آن بی‌خبر است (زیغد، ۲۰۱۲: ۱۳۵) و در برابر پیش‌انگاره قرار دارد که بیانگر اطلاع کهنه و مفروض است. لمبرکت می‌گوید: «کانون بخش پیش‌بینی نشده گزاره است که در زمان سخن گفتن مسلم فرض نشده و از لحاظ کاربردشناختی غیرقابل بازیابی در کلام است. برای نمونه درباره گفتار (کجا می‌روی، موزه یا تئاتر؟) پاسخ: موزه) قلمرو کانون را دربرداشته و (تئاتر) اگر چه اطلاعی کهنه است، در این گزاره نقش کانونی را دارد» (Lambrecht, 1996: 212)؛ چرا که ممکن است مخاطب بگوید (هیچ

کدام) یا حتی یکی از آن‌ها که باز به نوعی اطلاع نو است. کانون شامل دو نوع: «کانون اطلاعی» و «کانون تقابلی» است.

۲-۳-۱. کانون اطلاعی^۱

«کانون اطلاعی» را همان «کانون بی‌نشان» در جمله می‌دانند. این کانون فقط اطلاع نو و از پیش فرض نشده را در اختیار شنونده قرار می‌دهد و این اطلاعات بین گوینده و شنونده مشترک نیست. جایگاه آن در زبان فارسی نزدیک‌ترین سازه به فعل است و به لحاظ آوایی از تکیه سنگین برخوردار است (حق‌بین، ۱۳۹۳: ۸). جایگاه این کانون در عربی دورترین سازه از فعل است (المتوکل، ۲۰۰۶: ۹۴). حضور این نوع کانون در جمله اجباری و الزامی است. زبان‌شناسان عربی از آن به عنوان «بؤرة الجدید» یاد کرده‌اند که خود، دو نوع است: «بؤرة الطلب: کانون طلبی» اطلاعی است که مخاطب از آن آگاهی ندارد و «بؤرة التتمیم: کانون تکمیل» اطلاعی که متکلم می‌خواهد به عنوان دانشی اضافی به گنجینه اطلاعاتی مخاطب اضافه کند.

۲-۳-۲. کانون تقابلی^۲

«کانون نشان‌دار» از دیگر نام‌های «کانون تقابلی» است. «کانون تقابلی» حضور اجباری در جمله ندارد. در صورت حضور در جمله دارای نوعی تقابل با اطلاع قبلی شنونده است و فرض قبلی شنونده را تصحیح می‌کند. مهم‌ترین ویژگی کانون تقابلی نوعی برجستگی^۳ است و از نظر ویژگی آوایی دارای ارتفاع تکیه بیشتری نسبت به سایر اجزای جمله است (پارساکیا، ۱۳۸۹: ۹۶). در عربی از کانون تقابلی با نام «بؤرة المقابلة» یاد کرده‌اند. این کانون، اطلاعاتی را برای مخاطب تعدیل می‌کند یا اطلاعات قبلی مخاطب را تغییر داده یا

-
1. Information Focus
 2. Contrastive Focus
 3. Salient

اصلاح می‌کند (المتوکل، ۲۰۰۶: ۹۵). تفاوت اصلی ساختار این نوع کانون با کانون جدید، نشان‌داری آن؛ یعنی بروز خاصیت قلب نحوی در ساخت جملات است.

۲-۳-۱. نقش‌های کانون تقابلی

با توجه به کارکرد کانون تقابلی در جمله و با توجه به اطلاعاتی که این کانون در اختیار مخاطب قرار می‌دهد، نقش‌های مختلفی برای آن می‌توان در نظر گرفت:

- نقش‌گزینشی و انتخابی (بؤرة الانتقاء / بؤرة التخییر)^۱: شنونده مختار است تا یک اطلاع را از میان دیگر اطلاعات کلام برگزیند.
- نقش محدودکننده (بؤرة الحصر)^۲: فرض قبلی شنونده را محدود و منحصر بر یک گزینه اطلاعی می‌کند.
- کانون گسترش‌دهنده (بؤرة التوسیع)^۳: فرض قبلی مخاطب را وسعت می‌دهد و گزینه‌های بیشتری را پیشروی او قرار می‌دهد.
- نقش جایگزینی (بؤرة التعویض)^۴: فرض قبلی شنونده را تغییر می‌دهد و چیز دیگری را جایگزین آن می‌کند.
- نقش انکاری (بؤرة الجحود): این کانون فرض قبلی شنونده را رد می‌کند.

۲-۳-۲. حال و مقام در کانونی‌سازی

از آنجا که در مطالعه ساخت اطلاعی جمله، ساختار زبانی در بافت موقعیتی با توجه به اطلاعات و پیش‌فرض‌های متکلم و مخاطب مهم است؛ از این رو، سه حال و مقام در کانون تقابلی می‌توان در نظر گرفت:

1. Optional Focus
2. Narrow Focus
3. Broad Focus
4. Replactive Focus

- وضعیت تصحیح (حالة التصحیح): شامل کانون گزینشی (بؤرة الانتقاء) و اختیاری (بؤرة التخییر) است که به انتخاب و گزینش پیش‌فرض‌های مخاطب اقدام می‌کند.
- وضعیت تغییر و جایگزینی (حالة التخییر) که شامل کانون انکاری (بؤرة الجحود) و کانون جایگزینی (بؤرة التعویض) است و گوینده سعی در تغییر اطلاعات مخاطب دارد.
- وضعیت تعدیل (حالة التعدیل): گوینده سعی بر آن دارد که بخشی از اطلاعات را برای مخاطب یا محدود کرده یا گسترش دهد که شامل کانون گسترش‌دهنده (بؤرة التوسیع) و کانون محدودکننده (بؤرة الحصر) است (زیغد، ۲۰۱۲: ۱۴۱).

۲-۳-۲. روش‌های کانونی‌سازی تقابلی

از ابزارهایی که قادر است نقش ساخت اطلاعی کانونی شده را نشان دهد، فرآیند قلب نحوی^۱ است. اغلب این اعتقاد وجود دارد که قلب نحوی نمی‌تواند عنصری در جایگاه کانون اطلاعی را جابه‌جا کند، اما می‌تواند با جابه‌جایی، معنای کانون تقابلی به آن عنصر دهد (راسخ مهند، ۱۳۸۵: ۱۴)، از این رو، ارتباط میان قلب نحوی و کانون تقابلی تحت عنوان تأثیر تأکیدی^۲ قلب نحوی مطرح است (قربان‌خانی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۱۵).

در زبان فارسی از جملات اسنادی شده یا جملات شبه اسنادی و ابزارهای صرفی مانند قیود تأکید (فقط، تنها و ...)، «که» تأکید (من که فاطمه را نزدم) و «را» (امشب را در مشهد می‌مانم) و ابزار آوایی؛ یعنی استفاده از تکیه تقابلی در جمله (راسخ مهند، ۱۳۸۴: ۱۷) برای کانونی‌سازی استفاده می‌شود. در زبان عربی، کانون تقابلی با استفاده از ابزارهای تأکیدی چون حصر به نفی و استثنا، انما، تقدیم و تأخیر، «انّ تأکید» و «بل» ساخته می‌شود (المتوکل، ۲۰۱۰: ۱۴۲).

۲-۳-۳. محدوده کانونی

بخشی از جمله که مورد کانونی‌شدگی واقع می‌شود، می‌تواند از یک واحد کوچک در جمله تا کل آن جمله باشد و در انواع مختلف: کانون گزاره‌ای، موضوعی و کانون جمله-ای وجود دارد. در زبان عربی تنها به (بؤرة المکون و بؤرة الجملة) اشاره شده و کانون گزاره‌ای و موضوعی در یک مجموعه قرار داده شده است.

۲-۳-۴. کانون گزاره‌ای (بؤرة المکون)^۱

در ساخت این کانون، گزاره در برگیرنده تکیه جمله‌ها است و گروه اسمی نهاد، مبتدا و اطلاع کهنه محسوب می‌شود و وجود آن اجباری نیست. در چنین ساخت‌هایی فقط وجود گزاره اجباری است و نهاد می‌تواند حذف شود ((Lambrecht, 1996: 238). در عربی نیز ساختار به همین منوال است:

- ما حدث لأختک؟ (خواهرت چه شده؟) - إنها مرضت (خواهرم مریض شده است).
در اینجا کانون، اطلاع جدیدی است که بخش خبر جمله را دربر می‌گیرد و فشار آوایی کلام را بر آن منتقل می‌کند.

۲-۳-۵. کانون موضوعی یا محدود^۲ (بؤرة المکون)

برای توضیح کانون موضوعی بهتر است با مثال بیان شود؛ اگر در پاسخ به پرسش - هل أعطیتَ الكتابَ إلى عمرو؟ (آیا کتاب را به عمرو دادی؟) پاسخ داده شود: - لا، الذي أعطيتُهُ الكتابَ زيدَ - نه، کسی که کتاب را بهش دادم زيد است) خطای مخاطب اصلاح و «زيد» جایگزین «عمرو» می‌شود. در چنین حالتی جمله تنها یک عنصر نادرست دارد که با اصلاح آن، پذیرنده، اصلاح می‌شود و یک پذیرنده دیگر جایگزین می‌شود (المتوکل، ۲۰۰۹: ۳۲). این نوع کانون، کانون محدود نیز معرفی می‌شود؛ زیرا عناصری که در محدوده این

1. Argument Focus Structure
2. Predicate Focus Structure

نوع کانون قرار می‌گیرند غالباً سازه‌ای واحد، نظیر فاعل، مفعول، فعل هستند (Lambrecht, 1996: 226).

۲-۳-۶. کانون جمله‌ای (بؤرة الجملة)^۱

در ساخت کانون جمله‌ای، نهاد و گزاره هر دو در کانون قرار دارند و برای نشان دادن این موضوع اصولاً پرسشی مطرح می‌شود که جواب آن هیچ‌گونه پیش‌فرضی ندارد (المتوکل، ۲۰۰۹: ۳۲). در چنین حالتی کل جمله در حوزه کانون به عنوان اطلاع جدید در اختیار مخاطب قرار می‌گیرد (Lambrecht, 1996: 236). در مثال: - ما الخبر؟ (چه شده؟) - زید مریض (زید مریض است)؛ اطلاعی که در پاسخ داده شده، کاملاً جدید و محدوده کانون تمامی جمله؛ یعنی نهاد و گزاره است.

۳. تحلیل و ترجمه کانون نشان‌دار در نمایشنامه شهرزاد

در نمایشنامه شهرزاد، موارد کانونی شده نشان‌دار زیادی مشاهده می‌شود که ذکر تمامی نمونه‌ها و تحلیل حوزه کانونی و نقد ترجمه آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد^۲. بنابراین، در ادامه این جستار به نتایج تفصیلی نقد و ذکر یک نمونه شاهد و نقد ترجمه آن بسنده خواهد شد.

۳-۱. حصر از طریق نفی و استثناء

حصر به «حرف نفی و إلا» در جایی به کار می‌رود که مخاطب تلاش می‌کند مطلبی را انکار کند و گاه بر انکار اصرار دارد (الجرجانی، ۱۳۸۳: ۳۲۵). بنابراین، معنای تأکیدی جمله در تقابل با تفکر مخاطب است. از میان ۱۹ مورد حصر به «حرف نفی و إلا» در نمایشنامه، تنها ۸ مورد توسط دو مترجم، نشان‌دار ترجمه شده است:

1. Sentence Focus Structure

۲. برای مطالعه بیشتر به رضایی (۱۳۹۷: ۹۷-۱۶۱) مراجعه شود.

«الجلاد (فی نبرة مرتجفة): هذا بلا ريب صوت نائم يفيق من حلم و هل خلق الظلام إلا لرؤية الأحلام. هلم بنا...»

العبد: (يحدق في الظلام) بل أنتظر (الحكيم: ۳۴)

تحلیل کانون: حوزه تأکید در عربی: «إلا لرؤية الأحلام» و حوزه تأکید در فارسی: «تنها برای خواب دیدن» است. حال و مقام این نمونه، حالت تعدیل و اصلاح دیدگاه است؛ زیرا اطلاعات مخاطب را به «إلا لرؤية الأحلام» محدود ساخته است. کانون این عبارت بنابر حال و مقام جمله، از نوع کانون تقابلی حصر است. تنها بخش بعد از ادات حصر «إلا» در موضع کانونی است؛ بنابراین، کانون محدود شکل گرفته است.

تحلیل ترجمه‌ها: «راستی مگر تاریکی برای دیدن رؤیا خلق نشده؟» (شریعت: ۲۸) / «مگر تاریکی برای این نیست که آدمیان خواب ببینند؟» (آیتی: ۲۶)

با بررسی ترجمه‌ها می‌توان دریافت که هیچ یک از مترجمان به حصر موجود در جمله دقت نظر نداشته‌اند و ادات حصر در ترجمه هیچ یک از مترجمان در جایگاه خود به کار نرفته است.

ترجمه پیشنهادی: جلاد: مگر تاریکی فقط برای خواب دیدن نیست؟

۲-۳. حصر از طریق «إنما»

«إنما» در مورد خبری آورده می‌شود که مخاطب نسبت به آن جاهل نیست و صحت آن را رد نمی‌کند. با کاربرد «إنما»، مطلب در حکم امر ظاهر و معلوم است به طوری که مورد انکار نبوده و بر کسی هم پوشیده نیست. در واقع جهت گوشزد کردن به مخاطب از این اسلوب استفاده می‌شود (الجرجانی، ۱۳۸۳: ۳۲۲). از میان هفت نمونه «إنما»، آیتی اغلب به معنای حصر در بافت جمله توجه نداشته است. هردو مترجم به درستی حوزه کانونی را در کنار ادات حصر قرار ندادند.

«شهرزاد (فی مکر): یُخیلِ إلی أنک نسیتَ ما بینکما مِن وُدِّ عجیب!»

الوزیر (فی حدة): لم أنس شیئاً.

شهرزاد (فی خبث): بلی.

الوزیر (فی حدة عمیاء): إنی لم أنس شیئاً. إنما أبین لک لماذا أنتِ تحببینه أسمى الحب، فلا تزعمی لی غیر هذا مرةً أخرى. إنی لستُ أخدع» (الحکیم: ۴۷)

تحلیل کانون: حوزه تأکید در عربی: «لماذا أنتِ تحببینه أسمى الحب» و حوزه تأکید در فارسی: «تنها می‌خواهم میزان علاقه وافر شما به شهریار را خاطر نشان کنم» است. حال و مقام این جمله، حالت تعدیل است و اطلاعات مخاطب با آوردن ادات حصر «إنما» محدود به بخش دوم و انتهای جمله می‌شود. کانون از نوع کانون تقابلی حصر و از نوع کانون جمله‌ای است. همچنین با استفاده از ادات تأکید در جمله «إنی لم أنس شیئاً»: «بی شک من چیزی را فراموش نکردم»، حال و مقام، حالت تصحیح است؛ زیرا اطلاعات مخاطب از «أنک نسیتَ ما بینکما مِن وُدِّ عجیب» به «إنی لم أنس شیئاً» اصلاح شده است. جمله شهرزاد با این اصلاح کاملاً انکار شده است و کانون تقابلی انکاری است. کل جمله در حوزه کانون قرار؛ یعنی از نوع کانون جمله‌ای است.

تحلیل ترجمه: «وزیر (با عصبانیت دیوانه‌وار): من چیزی را فراموش نکرده‌ام. بلکه می‌خواهم میزان علاقه وافر شما به شهریار را خاطر نشان کنم. دیگر ادعایی غیر از این نیاورید. من گول نمی‌خورم» (شریعت: ۳۳). / «وزیر: (با تندی و خشم) من هیچ چیز را فراموش نکرده‌ام. در ضمن می‌خواهم برای شما هم روشن شود که او را فراوان دوست می‌دارید، اما درباره من این گونه فکر نکنید. من کسی را فریب نمی‌دهم» (آیتی: ۳۲).

در ترجمه «إنما» باید از واژه‌هایی همچون: تنها، فقط و بجز استفاده کرد تا معنای حصر افاده شود. با بررسی ترجمه‌های فوق درمی‌یابیم شریعت درست عمل کرده است و از واژه «بلکه» برای گوشزد و تأکید استفاده کرده است. نکته دیگر این است که غیر از توجه به معنای حصر با توجه به نوع کانون تقابلی می‌توان خوانش و سپس ترجمه درستی از واژه

(أُخِدَّع) داشت. (لست أُخِدَّع) به معنای «گول نمی خورم» در مفهوم اثرپذیرنده است، اما آیتی به معنای «فریب نمی دهم»؛ یعنی اثر گذارنده به کار برده که کاملاً اشتباه است. درباره ترجمه تأکید موجود در «إِنِّي لَمْ أُنْسْ شَيْئاً» نیز هیچ‌یک، واژه تأکیدی همچون بی‌شک، قطعاً و... به کار نبرده‌اند.

ترجمه پیشنهادی: وزیر: بی‌شک من چیزی را فراموش نکرده‌ام؛ بلکه فقط می‌خواهم علاقه وافر شما به شهریار را گوشزد کنم (خاطر نشان کنم). دیگر ادعایی غیر از این نیاورید. من گول نمی‌خورم.

۳-۳. تأکید از طریق تقدیم و تأخیر

معنای ارتباطی جمله با تقدیم و تأخیر واژگان در ساخت اطلاعاتی جمله متفاوت می‌شود. گاهی با تقدیم مطلبی، مخاطب را از شک در آن باز می‌داریم. برای مثال، با تقدیم فاعل بر فعل، ابتدا فاعل در ذهن مخاطب یادآور می‌شود تا مخاطب از هرگونه شبهه و گمان غلط درباره فاعل دور شود. از این رو باید گفت در تحقق آنچه مؤخر می‌آید، شکی نیست، اما آنچه مقدم آورده می‌شود، موضع ابهام و تردید است که با تقدم به یقین مبدل می‌شود (الجرجانی، ۱۳۸۳: ۱۳۶). نکته دیگر، افاده معنای تخصیص در تقدیم‌های تقابلی است. در این نوع کانون، مخاطب اعتقادی برخلاف آنچه مقدم شده دارد و با افاده معنای تخصیص با آوای بیشتر، بخش کانونی را ادا می‌کند. از میان ۱۱ مورد تقدیم کانونی شده در نمایشنامه شهرزاد، تنها دو مورد توسط هر دو مترجم نشان‌دار ترجمه شده است و اغلب مانند نمونه زیر با دقت ترجمه نشده‌اند:

«شهرزاد: (عند الباب) إِعْزِفْنَ أَيُّهَا الْجَوَارِي! عَيْنِي شَهْرِيَارُ أُرِيدُ» (الحکیم: ۵۴)

تحلیل کانون: در این نمونه مفعول «عینی شهریار» بر فعل «أرید» مقدم شده است. چیدمان ساختار اصلی این جمله «أرید عینی شهریار» است، اما متکلم به منظور تأکید بر واژه «عینی شهریار» آن را بر فعل مقدم ساخته است؛ زیرا مقدم ساختن مفعول بر فعل از نظر محتوا و مفهوم برای متکلم حائز اهمیت بوده است در نتیجه باید در معنای کاربردی لحاظ شود. در

اینجا با تقدیم مفعول، فعل در مفعول محصور شده است. در حقیقت در فعل «خواستن» شکی نبوده، اما گویا در اینکه شهرزاد چه چیزی را طلب کرده، تردید وجود دارد؛ بنابراین، تقدیم برای رفع شک است. حوزه تأکید در عربی «عینی شهریار» و حوزه تأکید در فارسی «چشمان شهریار» است. حال و مقام جمله، حالت تعدیل است؛ زیرا اطلاعات مخاطب را در «عینی شهریار» محدود کرده است. کانون از نوع کانون تقابلی حصر است. کانون محدود (بؤرة المکون) شکل گرفته است؛ زیرا فقط مفعول جمله در حوزه کانونی قرار دارد.

تحلیل ترجمه: «شهرزاد (کنار در): کنیزکان بنوازید! چشمان شهریار را می‌خواهم» (شریعت: ۳۷) / «شهرزاد: (نزدیک در) کنیزکان بنوازید... من می‌خواهم شهریار را ببینم» (آیتی: ۳۵).

شریعت این تقدیم را در ترجمه لحاظ کرده، اما آیتی اصلاً به واژه «عینی» و تقدیم آن دقت نظر نداشته است. هیچ‌یک از ترجمه‌ها با کاربرد معادل‌هایی همچون «فقط»، «تنها» و... به ترجمه حصر توجه نکرده‌اند. ترجمه پیشنهادی: شهرزاد: کنیزکان بنوازید... فقط چشمان شهریار را می‌خواهم.

۳-۴. ادوات تأکید

روش‌های مختلفی جهت تأکید و ایجاد کانون تقابلی در جمله به کار می‌رود؛ از جمله کاربرد حروف تأکید، ضمائر منفصل تأکیدی و... است که «إِنَّ» یکی از مهم‌ترین آن‌ها است. اگر مطلبی بیان شود که مخاطبش، اعتقادی برخلاف آن را داشته باشد از حرف «إِنَّ» استفاده می‌شود (المتوکل، ۲۰۱۰: ۱۴۴). در حقیقت مخاطب برخلاف یا عکس موضوعی که متکلم اثبات می‌کند، اعتقاد دارد و موضوع نیازمند تأکید است (الجرجانی، ۱۳۸۳: ۳۱۴). از میان ۱۰ نمونه تقدیم در نمایشنامه شهرزاد، مترجمان در برخی از موارد از روش تقدیم حوزه کانونی برای نشان دادن حصر استفاده نکرده‌اند.

شریعت تنها در یک مورد با تقدیم سازه کانونی، حصر را ترجمه کرده است (رضایی، ۱۳۹۷: ۱۶۰-۱۴۱)؛ مانند نمونه زیر:

«شهرزاد: اِبْقِ لِحَظَةٍ! يُخِيلُ اِلَى اَنَّكَ تَكْرَهُ اَنْ يَرَاكَ الْمَلِكَ هُنَا عِنْدَ عُوْدَتِهِ...!»

الوزير: اِنَّكَ تَعْلَمِينَ اَنِّي اَعْرَضُ نَفْسِي لِعُضْبِهِ اَكْثَرَ مِمَّا يَنْبَغِي» (الحكيم: ۴۲)

تحلیل کانون: در عبارت فوق، وزیر نظر شهرزاد را رد می‌کند و با تأکید، نظر خود را می‌گوید. شهرزاد گمان می‌کند وزیر نمی‌خواهد که پادشاه او را هنگام بازگشت در اینجا ببیند؛ چراکه با دیدن وزیر کنار شهرزاد او را تنبیه می‌کند. حال آنکه وزیر بیان می‌کند که من بیش از این، خودم را در معرض خشم شهریار قرار داده‌ام. این نظر به جهت انکار مخاطب با تأکید آمده است. کانون در عربی «اِنَّكَ.. اَنِّي اَعْرَضُ نَفْسِي لِعُضْبِهِ اَكْثَرَ مِمَّا يَنْبَغِي» و در فارسی «بی شک شما که می‌دانید، قطعاً من بیش از این‌ها خود را در معرض خشم پادشاه قرار داده‌ام» است. حال و مقام، حالت تغییر است. در کلام وزیر با رد نظر شهرزاد، کانون جایگزینی شکل گرفته و از نوع کانون جمله‌ای است.

تحلیل ترجمه: «شهرزاد: لحظه ای بمان! به نظرم دوست نداری وقتی پادشاه بر می‌گردد تو را اینجا ببیند...!***» وزیر: شما خودتان خوب می‌دانید که من بیش از حد خود را در معرض خشم ایشان قرار می‌دهم» (شریعت: ۳۱). / «شهرزاد: لحظه‌ای بیشتر بمان. چنان می‌نمایی که نمی‌خواهی پادشاه هنگام بازگشت، تو را ببیند.***» وزیر: تو خوب می‌دانی که من بیش از آنچه باید، خود را در معرض خشم او قرار داده‌ام» (آیتی: ۳).

هر دو ترجمه صحیح هستند، اما از ادوات تأکید در معنا بهره نبرده‌اند.

ترجمه پیشنهادی: بی‌شک خوب می‌دانید من بیش از این‌ها خود را در معرض خشم او قرار می‌دهم.

۳-۵. کانون تقابلی با ادات بل

یکی دیگر از اسلوب‌ها به کار بردن «بل» در جمله است. این ادات به منظور برطرف کردن شک و تردید یا انکار مخاطب است و با تکیه کلامی بیشتری ادا می‌شود (المتوکل، ۲۰۱۰:

(۱۳۳) از میان ۱۴ نمونه از ادات «بل» اغلب در ترجمه، نفی مقدر لحاظ نشده است. تنها سه مورد به صورت نشان‌دار برگردان شده است؛ برای نمونه:

«الجلاد (فی نَبْرَةٍ مُرْتَجِفَةٍ): هَذَا بِلَا رَيْبٍ صُوتٌ نَائِمٌ يَفِيقُ مِنْ حِلْمٍ وَ هَلْ خَلَقَ الظَّلَامَ إِلَّا لِرُؤْيَاةِ الأحلام. هَلُمَّ بِنَا...»

العبد (يَحْدِقُ فِي الظلام): بَلْ أَنْتَظِرُ (الحکیم: ۳۴)

تحلیل کانون: در جملاتی که نویسنده حرف «بل» استفاده می‌کند در حقیقت در جمله قبل از آن، نفی مقدر قرار دارد. تشخیص کانون با روشن کردن دلالت معنایی به خوانش درست از واژگان و عبارات هم کمک می‌کند. این عبارت «أنتظر» را به شکل‌های مختلف می‌توان خواند؛ می‌تواند هم امر مخاطب باشد و هم متکلم وحده، اما با توجه به محوریت «بل» و کانون‌های جایگزینی موجود، می‌توان دریافت که منظور، صیغه متکلم است. حوزه تأکید در عربی «بَلْ أَنْتَظِرُ» و حوزه تأکید در فارسی «نه، بلکه منتظر می‌مانم» است. حال و مقام این جمله، حالت تغییر است؛ زیرا اطلاعات مخاطب را از «هَلُمَّ بِنَا» به «بَلْ أَنْتَظِرُ» تغییر می‌دهد. با آمدن «بل» ما قبل آن، یعنی «هَلُمَّ بِنَا» ابطال شده و کانون جدید «أنتظر» جایگزین آن شده است. کل جمله محور کانونی است و نوع کانون جمله‌ای است.

تحلیل ترجمه: «جلاد: راستی مگر تاریکی برای دیدن رؤیا خلق نشده؟ بیا برویم... *** غلام: (در تاریکی خیره می‌شود) کمی صبر کن...» (شریعت: ۲۸). «جلاد: مگر تاریکی برای این نیست که آدمیان خواب ببینند؟ بیا برویم... *** غلام: (به تاریکی چشم می‌دوزد) نه، من منتظرم» (آیتی: ۲۶)

با بررسی ترجمه‌ها می‌توان دریافت که آیتی، ترجمه درستی از نفی مقدر در این کانون ارائه داده و بر همان اساس کانون را متکلم معنا کرده است در حالی که شریعت این نکته را در نظر نداشته و «أنتظر» را به صورت امر ترجمه کرده است.

نتیجه‌گیری

کانون نشان‌دار تقابلی با داشتن اطلاع نو باید به نحو درست به زبان مقصد ترجمه شده تا تحولات معنایی لحاظ شود، اما بررسی‌های صورت گرفته از ترجمه ساخت‌های اطلاعی کانونی نشان‌دار نمایشنامه، حاکی از آن است که مترجمان بیشتر از ساخت‌های بی‌نشان در ترجمه بهره برده‌اند. نتایج بررسی نمونه‌ها به تفصیل چنین است:

- در نمونه‌های کانون تقابلی از نوع کانون محدودکننده، کانون حصر با ادات «حرف نفی و اِلّا» صورت گرفته است. حال و مقام این نمونه‌ها حالت تعدیل است. در کانون حصر، تنها سازه بعد از «اِلّا» در حوزه کانون قرار دارند که با ابزارهایی مانند: «فقط»، «تنها» و «به جز» ترجمه می‌شوند. از ۱۹ مورد در نمایشنامه، ۸ مورد را هر دو مترجم به همان صورت نشان‌دار ترجمه کرده‌اند و ابزار حصر را قبل از حوزه کانونی آورده‌اند.

- در نمونه‌های «اِنما» کانون محدودکننده (کانون حصر)، بخش دوم جمله در حوزه کانون قرار دارد و تنها در یک نمونه تمام جمله کانونی‌سازی شده است. حال و مقام این نمونه‌ها حالت تعدیل است. در ترجمه ۷ نمونه «اِنما» در بیشتر موارد آیتی به معنای حصر در بافت جمله دقت نظر نداشته است. اگر بخواهیم دقیق‌تر بیان کنیم هیچ‌یک از مترجمان این ساخت اطلاعی نشان‌دار را به همان صورت نشان‌دار در زبان فارسی برگردان نکرده‌اند؛ زیرا در مواردی که مترجم از ابزار حصر استفاده کرده است، آن را در جایگاه صحیح خود، قبل از حوزه کانونی، نیاورده است یا اینکه اصلاً از ابزارهای حصر استفاده نکرده‌اند. در مواردی هم به کاربرد «اِنما» توجهی نداشته‌اند. این سه نکته در ترجمه این ساخت اطلاعی به شکل نشان‌دار اهمیت دارد. بنابر نکات بیان شده در این بخش هیچ‌گونه ساخت اطلاعی به همان صورت نشان‌دار برگردان نشده است.

- در ترجمه کانون تقابلی با ابزار تقدیم و تأخیر در برخی از نمونه‌ها، هیچ‌یک از مترجمان از ابزاری استفاده نکرده‌اند که بتواند حصر را در جمله نشان دهد. در مواردی با تقدیم حوزه کانونی شده می‌توان حصر موجود را نشان داد که مترجمان در برخی از موارد از این روش استفاده نکرده‌اند. تنها در یک مورد شریعت با تقدیم سازه کانونی شده حصر موجود در جمله را رعایت کرده است. همچنین می‌توان با علامت ویرگول، فشار و تکیه جمله را

به بخش کانونی منتقل کرد که اغلب در ترجمه‌ها لحاظ شده است. به طور کلی در ۱۱ مورد بررسی شده تنها ۲ مورد به صورت نشان‌دار ترجمه شده است.

- در نمونه‌های ادات تأکید، بنا به بافت جمله، حال و مقام‌های مختلف از حالت تغییر، تعدیل و تصحیح استفاده شده است. در بررسی نمونه‌ها مشاهده می‌شود، بافت جمله دارای انواع کانون اعم از کانون محدودکننده (کانون حصر)، کانون جایگزینی (کانون تعویض)، کانون گسترش‌دهنده (کانون توسیع) و یک مورد (کانون انکاری) هستند. از ۱۰ موردی که با ابزار «اِن» کانونی‌سازی شده‌اند، ۶ مورد کانون جمله‌ای است و ۴ مورد، محدود است. اغلب ترجمه‌ها از واژه‌ها و ابزار تأکید استفاده نکرده‌اند و تنها در یک مورد شریعت از واژه «واقعا» به منظور تأکید استفاده کرده است. یادآور می‌شود در زبان فارسی برای تأکید بیشتر از آوا و تکیه استفاده می‌کنند و کمتر از ابزارهایی مانند: «قطعاً»، «بی شک» و «همانا» استفاده می‌شود که می‌تواند نمایانگر این باشد که مترجمان متوجه حصر در جمله شده‌اند، اما طبق روش زبان فارسی، ابزار تأکیدی به کار نبرده‌اند.

- در نمونه‌های «بل»، کانون جایگزینی (تعویض) با حالت تغییر است. از میان ۱۴ نمونه، غالباً شریعت نتوانسته نفی مقدر را در ترجمه خود، با وجود ترجمه صحیح واژگان، لحاظ کند. در یک مورد هم آیتی ترجمه درستی از معنای بافت جمله ارائه نکرده است. غیر از ۳ مورد ترجمه نشان‌دار این ساخت اطلاعی اغلب بی‌نشان ترجمه شده است یا به نفی مقدر درون جمله دقت نظر نشده است یا از ابزارهایی استفاده نکرده‌اند تا نشان‌داری آن را در زبان مقصد آشکار سازد.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس و سید حسین رضویان. (۱۳۹۶). «بررسی ساخت اطلاعی جمله در داستان بوف کور». *مجله زبان و زبان‌شناسی*. ش ۶. صص ۱۱-۱.
- آیتی، عبدالحمید. (۱۳۸۸). *شهرزاد*. تهران: پژواک کیوان.
- ارژنگیان، طاهره. (۱۳۸۸). «بررسی ساخت اطلاعی در ترجمه قرآن کریم». پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.

اکبری‌زاده، فاطمه و یسرا شادمان. (۱۳۹۷). «نقد تطبیقی ترجمه‌های آیتی و شریعت از نمایشنامه «شهرزاد» توفیق الحکیم». **پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی**. س ۸، ش ۱۸. صص ۹۳-۶۷.

امینی، رضا. (۱۳۸۹). «بررسی تحولات معنایی و ساخت اطلاعی نشان‌دار در فرآیند ترجمه از انگلیسی به فارسی». پایان‌نامه دوره دکتری رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس.

پارساکیا، مژده. (۱۳۸۹). «بررسی صوری و نقشی مقولات گروهی مبتدا، کانون و آغازگر در زبان فارسی». پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا (س).

الجرجانی، عبدالقاهر. (۱۳۸۳). **دلائل الإعجاز فی القرآن**. ترجمه محمد رادمش. ج ۱. ش ۲۲۰۰. تهران: انتشارات شاهنامه پژوهی.

الحکیم، توفیق. (۱۹۷۳ م.). **شهرزاد**. بیروت: دار الکتب اللبنانی.

حق‌بین، فریده و مژده پارساکیا. (۱۳۹۳). «بررسی ویژگیهای ممیز مقولات نقشی: آغازگر، مبتدا و کانون در زبان فارسی». **دستور (ویژه نامه فرهنگستان)**. ش ۱۰. صص ۲۴-۳.

راسخ مهند، محمد. (۱۳۸۴). «بررسی انواع تأکید در زبان فارسی». **مجله زبان و زبان‌شناسی**. ش ۱. صص ۱۹-۵.

_____ . (۱۳۸۵). «ارتباط قلب نحوی و تأکید در زبان فارسی». **ویژه نامه**

فرهنگستان. ش ۲. صص ۲۰-۱.

رضایی، فاطمه. (۱۳۹۷). «بررسی انتقال معنای ساخت‌های اطلاعی نشان‌دار در ترجمه‌های فارسی نمایشنامه شهرزاد توفیق الحکیم». پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا، تهران.

زیغد، سعیده. (۲۰۱۲). «البؤرة فی نظریه النحو الوظيفی فی تنمیط أحمد المتوکل». **التواصل فی اللغات و الثقافة والآداب**. ش ۳۱. صص ۱۴۵-۱۳۳.

شریعت، محمدصادق. (۱۳۷۸). **شهرزاد**. تهران: نشر شاب.

- الشریفی، الهادی (بی تا). *النمذجة ترتیب الكلمات فی اللغة العربیة الفصحی*. الجزائر: دانشگاه اَبی بکر تلمسان، الجزائر.
- شکوهی، حسین. (۱۳۸۷). «نقش ساخت اطلاعاتی از دیدگاه نقش‌گرایی و روانی در ترجمه». *پژوهش زبان‌های خارجی*. ش ۵. صص ۹۹-۸۳.
- شهیدی، نوشین. (۱۳۷۹). «مبتداسازی در زبان فارسی با نگاهی نقش‌گرا». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- قریان‌خانی، مرضیه، عادل رفیعی و محمدرضا ابن‌الرسول. (۱۳۹۵). «بررسی مفاهیم قلب نحوی و مبتداسازی در زبان‌شناسی کلاسیک عربی». *فصلنامه لسان‌المبین (پژوهش ادب عربی)*. ش ۲۴. صص ۱۲۸-۱۰۹.
- المتوکل، احمد. (۲۰۰۶). «المنحی الوظیفی فی الفکر اللغوی العربی الاصول والامتداد». ج ۱. الرباط: مطبعة الكرامة.
- _____ . (۲۰۰۹). *الوظائف التداولیة فی اللغة العربیة*. قسم اللغة العربیة و آدابها. الجزائر: دانشگاه تلمسان.
- _____ . (۲۰۱۰). *الخطاب و خصائص اللغة العربیة. دراسة فی الوظیفیة و البنیة و النمط*. الطبعة الاولى. الرباط: منشورات الاختلاف.
- مجیدی، ستاره. (۱۳۹۰). «ساخت اطلاع در زبان فارسی در چارچوب دستور نقش‌گرایی نظام‌مند و دستور نقش و ارجاع». *ویژه‌نامه فرهنگستان*. ش ۷. صص ۲۰۸-۱۸۳.
- مدرس، بهرام. (۱۳۸۷). «ساخت اطلاع و باز‌نمایی آن در زبان فارسی». *ویژه‌نامه فرهنگستان (دستور)*، ش ۴. صص ۵۸-۲۵.
- LAMBRECHT, K. (1996). *Information Structure and sentence form: Topic, Focus and the Mental Representation of discourse Referents*, Cambridge University Press.